

# فصل مشترك سيد علي خامنه اي و " كيهان " سلطنت طلب

" راز سرپوشیده ای نبود که حزب توده، با نفوذی که در سطوح گوناگون در دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی کرده بود، کار را چنان گرداند که دقتش بود... (کيهان چاپ لندن، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۲).

و اما چگونه است که حزب توده ایران ناگهان مورد توجه و "عتایت" نیروهای مختلفی قرار گرفته است. سخنان و ادعاهایی که رهبر جمهوری اسلامی در جمع مسئولان "سازمان تبلیغات اسلامی" بیان کرده است، قبل

ادامه در ص ۲

اخیراً علی خامنه ای در سخنانی که در جمع مسئولان "سازمان تبلیغات اسلامی" ایراد کرد از جمله مدعی شد: "در يك برهه از زمان و در همان اوایل انقلاب همه چیز در تیول حزب توده بود... چنین حالتی را من و هرکس در اوایل انقلاب حس می کرد که توده ای ها و جریان چپ، به خصوص حزب توده بر همه چیز مسلط بودند و اصلاً حرکت انقلاب را می خواستند منحرف کنند...".

و سپس کیهان چاپ لندن - سخنگوی نیروهای طرفدار سلطنت - نیز در مقاله ای به این مناسبت نوشت:



شماره ۴۰۲، دوره هشتم  
سال هشتم، ۴ خرداد ۱۳۷۲

## مانورهای رژیم در چارچوب برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر

به مسئولیت کسی که در گذشته نه چندان دور، در مقام نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، منکر وجود تضيیقات، سرکوب و اعدام مخالفان سیاسی در ایران بود و شکنجه زندانیان سیاسی را در چارچوب "تعمیرات" اسلامی جایز می شمرد، نمی تواند از سوی کسی جدی گرفته شود. ولی در این زمینه مهم است که نیروهای مترقی بتوانند با افشاکاری بین المللی در این عرصه، خصوصاً در چارچوب برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر، ضمن افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سال های اخیر، پرده از ماهیت مانورهای اخیر حکومت اسلامی بردارند. باید برای جامعه بین المللی و سازمان ملل متحد روشن کرد که تنها از طریق ادامه فشارهای بین المللی و حمایت از مبارزه حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم کشور ماست که می توان امیدوار بود رژیم "ولایت فقیه" از موضع ضد انسانی و سرکوبگرانه خود عقب نشسته و به خواست مردم کشور ما، برای قبول و اجرای منشور جهانی حقوق بشر، تن دهد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۲۸ اردیبهشت اعلام کرد که: "مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفت تا کمیسیون مستقلی جهت بررسی حقوق بشر در ایران" ایجاد کند. بر اساس همین گزارش ریاست این کمیسیون، از سوی مجلس، بر عهده رجایی خراسانی واگذار شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی، در دنباله این خبر، همچنین اعلام کرد: "بدنبال تصمیم مجلس هرکس با هر نوع تفکری می تواند در این کمیسیون که "شورای مرکزی حقوق بشر در ایران" نام دارد ثبت نام نموده و از زندان ها دیدار کند...".

تشکیل این کمیسیون يك ماه پیش از برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین - اتریش نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی مصمم است تا با انجام يك سری مانورهای حساب شده، ایجاد و اعزام هیئت های مختلف ساختگی مانند "قربانیان ترور و خشونت"، "قربانیان شکنجه" و اکنون "شورای مرکزی حقوق بشر ایران" به این کنفرانس مهم جهانی بر مسئله سرکوب حقوق بشر و کشتار هزاران زندانی سیاسی در کشور ما سرپوش گذاشته و خود را از زیر فشار بین المللی آزاد سازد.

ایجاد کمیسیون "حقوق بشر" توسط مجلس شورای اسلامی، آنهم پس از گذشت چهارده سال، و خصوصاً پس از آنکه اخیراً رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه ای، مسئله حقوق بشر در ایران را "بازی استکبار جهانی" قلمداد کرد، نشانگر برخی عقب نشینی ها و مانورهای موقتی رژیم تا پایان برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین است. بدیهی است که ایجاد کمیسیون "حقوق بشر"

## گاندیداهای تقلبی برای انتخابات فرمایشی

بالاخره پس از جار و جنجال فراوان، وزارت کشور جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت اعلام کرد که از ۱۲۸ نفر کاندیدای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، تنها صلاحیت ۴ تن و در راس آنها اکبر هاشمی رفسنجانی تأیید شده است. سایر کاندیداهای تأیید شده عبارتند از: احمد توکلی وزیر کار سابق و سرمقاله نویسنده روزنامه "رسالت"، عبدالله جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد و رجعی طاهری، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی.

امامی کاشانی، سخنگوی شورای نگهبان نیز روز بعد در نماز جمعه ۲۴ اردیبهشت آب پاکی را روی دست کسانی که کوچکترین توهمی پیرامون "آزاد" بودن این انتخابات داشتند ریخت و گفت: "رئیس جمهور باید قبل از هر چیز يك رجل مذهبی باشد... و بدین ترتیب نتیجه انتخابات را نیز از هم اکنون می توان پیش بینی کرد. از آنجائیکه تنها "رجل مذهبی" در میان کاندیداهای شرکت کننده، هاشمی رفسنجانی است، بنابراین تکلیف بقیه کاندیداها نیز معلوم و مشخص است.

ما در شماره قبلی "نامه مردم" اشاره کردیم که این انتخابات کوچکترین ارتباطی به مسایل حیاتی کشور ما ندارد و عملاً و واقعا کسی جز هاشمی رفسنجانی در آن شرکت نخواهد داشت. اعلام نهایی اسامی شرکت کنندگان در انتخابات تأییدی بر این نظر

ادامه در ص ۷

### در صفحات دیگر

#### اوج ورشکستگی اقتصادی

یعنی "رشد کاملاً مطلوب"

و بسیار رضایت بخش \* ص ۳

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

## نصل مشترك على ...

از آنکه پایه و اساس منطقی و صحیحی داشته باشد، تنها نشانگر این حقیقت است که حزب توده ایران، به مثابه نیروی سیاسی کارگران و زحمتکشان کشورمان در پرتو مبارزات پنجاه و یکساله اش در جامعه برای آزادی، عدالت و استقلال از اعتبار و نفوذ ممنوی چشمگیری برخوردار بوده و همچنان هست. حزب ما به مثابه کهن ترین سازمان سیاسی کشور، به مثابه نیرویی که به قول مهندس بازرگان "مبارزات سیاسی را در دوران جدید" در جامعه ما مطرح کرد (نگاه کنید به مصاحبه مهندس بازرگان با مجله "ایران فردا")؛ به مثابه نیرویی که برای نخستین بار مسئله حقوق کارگران، قانون کار، اصلاحات ارضی، و حقوق زنان را در جامعه ما مطرح ساخت؛ و بالاخره به مثابه نیرویی که در زمینه نشر اندیشه های مرفقی در عرصه ادبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هزاران نوشته و ده ها روزنامه، مجله و نشریه مرفقی پیشرو در جامعه ما انتشار داده است، از چنان نفوذ و اعتباری در اندیشه ها و قلوب مردم و زحمتکشان کشورمان برخوردار است که پنج دهه سرکوب خونین، زندان، شکنجه و اعدام، نخست توسط رژیم ستم شاهی و سپس به وسیله رژیم خونریز "ولایت فقیه" نتوانسته و نخواهد توانست نیروی حیاتی آنرا نابود کند.

در لابلای سخنان رهبر جمهوری اسلامی می توان علل واقعی یورش خونین جمهوری اسلامی به حزب ما را نیز پیدا کرد. بر اساس این اعتراف ضمنی علی خامنه ای، حمله به حزب توده ایران نه به دلایل سیاسی ساخته و سرهم بندی شده "جاسوسی"، و اقدام جهت براندازی نظام بلکه به دلیل وحشت سران رژیم و در راس آن خمینی از نفوذ و اعتبار عظیم حزب توده ایران در جامعه بوده است. بر پایه چنین وحشتی است که شکنجه گران رژیم چنان وحشیانه سران حزب ما را ساعت ها، روزها و ماه ها شکنجه کردند تا صورت های مسخ شده و درهم شکسته شان را به پای صفحه تلویزیون بکشاند، بنام آنها کتاب بنویسند و "خاطرات" منتشر کنند و بدین سان اعتبار معنوی و حقانیت تاریخی حزب توده ها را خدشه دار کنند. ادامه این سیاست تا به امروز حتی ده سال پس از یورش جمهوری اسلامی و چهار سال پس از قتل عام جنایتکارانه صدها تن از اعضا، هواداران و رهبران حزب ما در کنار هزاران زندانی سیاسی دیگر، نشان می دهد که رژیم علی رغم همه این تلاش ها نتوانسته است به خواست های شوم خود - پیرامون نابودی حزب ما و نفوذ آن در جامعه - دست یابد.

و اما کیهان سلطنت طلب نیز در این میان فرصتی یافته است تا حرف های دلش را که مدتی بخاطر برخی "ملاحظات" و "امیدواری" های سیاسی مسکوت گذاشته بود، رو کند و با متهم کردن حزب ما به "آدم کشی"، "تحریک صدام به حمله به ایران" و ... آنرا مسئول تمامی خرابی ها کنونی کشور معرفی کند. مقاله نویسنده کیهان لیست مفصلی از کارها و یا بهتر بگوییم "جرم های" حزب ما را ردیف کرده و از جمله ادعا می کند:

- آدمکشی دادگاه های انقلاب؛

- نبرد تبلیغاتی علیه دولت موقت مهدی

بازرگان؛

- مبارزه ضد آمریکایی و اشغال "لانه جاسوسی"؛

- تحریک صدام به حمله به ایران؛

- پیاده کردن یک اقتصاد متمرکز دولتی و ...  
"و اکنون رهبر جمهوری اسلامی به صراحت می گوید که در پشت سر همه این جریان های مهم که همگی در اوایل انقلاب روی داده است دست حزب توده بوده است ..." (کیهان لندن، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۲).

و اما درباره این ادعای مقاله نویسنده کیهان لندن باید گفت: حزب توده ایران از همان فردای پیروزی انقلاب اعلام کرد که می بایستی از طریق صحیح، و اصولی به پرونده جنایات و آدمکشی های سران رژیم شاه و خصوصاً سران ساواک که ۲۵ سال در سرکوب، شکنجه و کشتار آزادیخواهان کشور ما دست داشته اند، علناً رسیدگی کرد. در همان نخستین روزهای انقلاب و با گشوده شدن درهای زندان های مخوف رژیم سابق، از جمله زندان اوین، مردم ما با بهت و حیرت از عمق جنایات و اعمال ضد انسانی که در زندان های شاهنشاهی علیه فرزندان شان اعمال گردیده بود آگاهی یافتند. تصاویر سلول های دخمه وار و خونین، دستگاه های آدم سوزی، دستگاه های شوک الکتریکی، غل و زنجیر و تخته های شلاق زنی و ... بر صفحه تلویزیون های ایران و جهان در کنار انبوه اسنادی که طی بیش از ۲۵ سال سرکوب از سوی مراجع بین المللی از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین الملل جمع آوری شده بود، آنقدر گویا و تکان دهنده بود که مسببین چنین جنایاتی در هرداگاهی چه داخلی و چه بین المللی محکوم بودند. حزب ما کاملاً با برگزاری دادگاه های مخفی و سریع که هدفش لاپرواشی حقایق و افشا نشدن اسرار مگو بود، از همان ابتدا، مخالفت کرد و همواره خواهان برگزاری دادگاه های علنی با حضور وکیل مدافع بود. ما در عین حال در همان ماه های نخست انقلاب، هنگامیکه با اعمال ضد انسانی دادگاه های انقلاب، خصوصاً در سرکوب خلق گرد مواجه شدیم، صریحاً اعلام کردیم: "حزب توده ایران بر آن است که از راه سرکوب و کشتار ممکن است "آرامش" برقرار ساخت ولی نمی توان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آن محرومیت ملی مطرح است، حل نمود ... حزب توده ایران با توجه به اهمیت موضوع ... پیشنهاد می کند:

۱- بی درنگ و همزمان به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش بس اعلام گردد - ۲- محاکمه و صدور رای در دادگاه های کردستان متوقف گردد ... (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۶ شهریور ۱۳۵۸).

حزب توده ایران هیچگاه طرفدار خشونت، سرکوب و کشتار نبوده و نمی توانسته باشد، زیرا هیچ نیروی سیاسی در کشور ما در طول پنج دهه گذشته به اندازه ما از سرکوب، شکنجه و اعدام صدمه ندیده است. طرح ادعاهایی از این دست، آنهم از سوی کسانی که پرونده قطور ۲۵ سال سرکوب و اختناق کشور ما زیر بغلشان است، تنها نشانگر وقاحت بی اندازه از سوی مطرح کنندگان چنین نظریاتی است. ما همواره علیه سرکوب، شکنجه، و اعدام نیروهای آزادیخواه و مخالف رژیم مبارزه کرده ایم و از حقوق و آزادی های دموکراتیک همه نیروها، حتی نیروهای طرفدار سلطنت دفاع کرده ایم. این سیاست ما بر پایه اعتقاد عمیق و اصولی ما به دموکراسی و پلورالیسم سیاسی بوده و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

و اما اشاره ای به "نبرد تبلیغاتی علیه دولت بازرگان"، و مبارزه "ضد آمریکایی" حزب ما. حزب

توده ایران همواره در طول تاریخ خود در راستای برنامه های سیاسی اش، در راه تحقق منافع کارگران و زحمتکشان کشورمان مبارزه کرده و در آینده نیز خواهد کرد. مبارزه و یا "نبرد تبلیغاتی" ما علیه دولت بازرگان نیز از چنین دیدگاهی برای تعمیق انقلاب، برای بسط دموکراسی و آزادی، برای تحقق حقوق زحمتکشان و برای قطع نفوذ امپریالیسم در ایران سازماندهی می گردید. ما عمیقاً اعتقاد داشته و داریم که مبارزه علیه توطئه ها و دخالت های آمریکا در کشور با آینده، استقلال و آزادی کشور ارتباط تنگاتنگی دارد. ما افتخار می کنیم که حزب ما برای سال های طولانی (تا اواخر دهه چهل) تنها نیروی سیاسی کشور بود که علیه نفوذ امپریالیسم، علیه کودتای مزدوران سیا که دولت ملی و قانونی دکتر مصدق را سرنگون کرد و رژیم دست نشانده و مزدوری را به میهن ما تحمیل نمود، مبارزه کرد و در این راه قربانیان زیادی داده. مبارزه برای استقلال و حاکمیت ملی ایران بخش جدا ناپذیری از مبارزه حزب ما در طول تاریخ آن بوده است، بی جهت نیست که در پنج دهه گذشته هرگاه استقلال ایران مورد تهاجم قرار گرفته است، حزب توده ایران نیز مورد یورش ارجاع و امپریالیسم واقع گردیده است.

مضحک ترین ادعای مقاله نویسنده کیهان لندن، موضوع "تحریک صدام" برای حمله به ایران است.

امروز دیگر کمتر کسی است که نداند رژیم عراق به فرمان آمریکا برای درهم کوبیدن انقلاب ایران به مملکت ما حمله کرد. و اتفاقاً حضرات سلطنت طلبان، و لیست طولانی از "ارتشبدها"، و "سپهبدها" از نخستین کسانی بودند که با خیانت آشکار به منافع ملی کشور ما از چنین برنامه ای استقبال کرده و با "شریفیابی" به حضور صدام حسین آمادگی خود را برای اجرای این نقشه پلید، که یکی از اهدافش استقرار استبداد سلطنتی در بخش های "آزاد شده" جنوب و غرب کشور بود، اعلام کردند. حزب ما اتفاقاً، نخستین نیرویی بود که با کشف این توطئه جنایتکارانه آمریکا و ارجاع محلی، یک ماه پیش از حمله عراق به خاک کشور نوشت: "عمل جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم قصد دارند این بار غرب و جنوب کشور را به اشغال درآورند و از آن پایگاه به انقلاب ایران هجوم آورند ...".

ما بعد از جنیبات بیشتری از این توطئه پلید را که در بغداد، پاریس و واشنگتن طرح ریزی شده بود، افشا کردیم و نوشتیم:

"ما اطلاع داریم که در همان اولین روزهای آغاز حمله بین رئیس سازمان امنیت دارودسته صدام و ... بختیار، آریانا، فریدون جم، اویسی و مدنی در پاریس و بعداً میان بختیار و اویسی و صدام در بغداد نقشه کامل جدا کردن خوزستان و کردستان و اعلام حکومت به اصطلاح "آزاد ایران" طراحی شده ... (مجله دنیا، مهر ماه ۱۳۵۹).

ما در عین حال در دشوارترین شرایط، یعنی هنگامیکه جنگ از ماهیت تدافعی خارج شده بود و به دستور خمینی به یک جنگ تجاوزکارانه برای اشغال خاک عراق بدل شده بود، مخالفت صریح خود را با ادامه جنگ اعلام کردیم و بدین سان مورد یورش خونین جمهوری اسلامی قرار گرفتیم.

البته از کسانی که با افتخار در مصاحبه با برنامه تلویزیونی پاناروما - بی. بی. سی - اعلام می کنند "برای مصارف مبارزه" ماهیانه از سیا پول دریافت می کنند بیشتر از این هم نمی توان انتظار داشت. (نگاه کنید به مصاحبه تلویزیونی دکتر گنجی، مسئول

# اوج ورشکستگی اقتصادی

## یعنی "رشد کاملاً مطلوب و بسیار رضایت بخش!"

کشورهای اسلامی ایران رو به افزایش نهاده، واردات این کشور از ایران کاهش یافته است؛ در سال گذشته میلادی ۸ میلیارد دلار کالا از آلمان به جمهوری اسلامی ایران صادر شده که ۱۸٫۳ درصد بیشتر از صادرات این کشور در سال ۱۹۹۱ می باشد. براساس همین آمار ارزش واردات ژاپن از ایران از ۵٫۸۷ میلیارد دلار در سال ۹۱ به ۲٫۶ میلیارد دلار در سال ۹۲ پایین آمده است" (کیهان ۷۲/۱/۸).

در برابر چنین واقعیت تلخی است که رفسنجانی بدون آن که اندکی از مردم شرم کند، در همان "پیام نوروزی" خود مدعی است: "خوشبختانه از سال ۷۱ و بخصوص در سال جاری صرفه جویی زیادی خواهیم داشت و به تدریج تعهدات خارجی خود را کم می کنیم. با این سیاست ما از سال ۷۱ و سال های آینده مازاد ارز خواهیم داشت!"

کشورها از ایران که بخش عظیمی از آن را نفت خام تشکیل می دهد ۴۰٪ کاهش یافته و تنها به ۶٫۱۸۶ میلیارد دلار رسیده در حالیکه یک سال قبل در سطحی حدود ۳۷۳٫۱۰ میلیارد دلار قرار داشته است. بررسی آمار نشان می دهد که شش کشور یاد شده در عین کاهش چشمگیر واردات خود از ایران همچنان بر میزان صادرات خود به ایران افزوده و ارزش آن را از ۹۰٫۶۷ میلیارد دلار در سال ۹۱ افزایش داده اند. به این ترتیب کسری تراز تجاری ایران با این کشورها که در سال ۹۱ تنها ۰٫۳۱۴ میلیارد دلار بود در سال ۹۲ به ۶٫۱۵۴ میلیارد دلار رسید که حاکی از یک افزایش ۲۰ برابری است" (کیهان ۷۲/۱/۱۰).

در باره تراز بازرگانی ایران به ویژه با آلمان و ژاپن، گزارش زیر شایان توجه است: "در حالیکه صادرات آلمان به جمهوری

"صادرات ما که دچار رکود بود و کالاهایی نبود که صادر کنیم، رشد کاملاً مطلوبی دارد و روز افزون است. مقدار زیادی از کالاهای واسطه که معمولاً وارد می شد و مواد تولیدات ما برای صنایع مان را تشکیل می داد اکنون در داخل تولید می کنیم... در مسایل اقتصادی شاخص های اقتصادی ما بسیار رضایت بخش است" (هاشمی رفسنجانی در پیام نوروزی) دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی نیز در تایید سخنان رئیس خود از جمله چنین گفت: "صادرات محصولات کشاورزی سیر صعودی را طی نمود و از بار واردات نیز به میزان زیاد کاسته شد و علیرغم همه مشکلات و کاستی ها کشاورزان توانسته اند سنکر تولید را نگاهداری نمایند" (کیهان ۷۲/۱/۸).

خبرگزاری جمهوری اسلامی آشکارا خلاف ادعای رئیس جمهوری و وزیر او را گزارش می کند:

"با نصف شدن میزان صادرات ایران به شش کشور صنعتی جهان و یک سوم افزایش در میزان واردات از آن ها، تراز منفی تجاری ایران با این کشورها ۲۰ برابر افزایش یافت. آمار به دست آمده از تجارت خارجی کشورهای آلمان، ژاپن، ایتالیا، انگلیس، فرانسه و آمریکا در سال ۱۹۹۲ میلادی نشان می دهد واردات این

بانک های خارجی "برای روز مبادا" انبار کردند. روابط پنهانی با آمریکا و اسرائیل برقرار کردند و راه را برای بازگشت غارتگران خارجی به کشور ما گشودند.

واقعیت اینست که چنین سیاست هایی اگرچه در ظاهر "اسلامی" بسته بندی شده است ولی ماهیتاً با آنچه که توسط رژیم شاهنشاهی در مملکت ما پیاده شد تفاوت چشمگیری ندارد. لباس ها تغییر کرده است، تاج و تخت شاهی و ژنرال های چهار ستاره جای خود را به "حجت الاسلام های سه ستاره" داده است، ولی درمچنان بر همان پاشنه می چرخد.

نکته ای که در لابلای نظریات مقاله نویسنده کیهان آشکار می شود، حسرت قدرت و امکانات از دست رفته ای است که حضرات آرزوی باز پس گرفتن آن را دارند و نه مخالفت اصولی، پایه ای و نظری این گروه با استبداد کنونی.

حزب توده ایران اختتامی می کند که در طول بیش از پنج دهه خونین، همواره علیه استبداد، اختناق و خیانت حاکمان علیه منافع زحمتکشان کشورمان مبارزه کرده است و امروز نیز علی رغم دشواری های فراوان، علی رغم سرکوب خونین و توطئه های گوناگون برای در هم پاشیدن آن به این مبارزه ادامه می دهد. آرزوی نابودی حزب توده ایران و اعتبار و نفوذ معنوی آن در جامعه را رژیم شاهنشاهی با خود به گور برد و عاقبت سلف "اسلامی" آن نیز جز این نخواهد بود.

نه سیاست های ملی و مترقی که ما در ابتدای انقلاب به سران رژیم پیشنهاد می کردیم.

کوتاه سخن، براثت کیهان سلطنت طلب از علی خامنه ای و تلاش در راه پاک کردن پرونده جنایات رژیم و چسباندن آن به حزب ما تنها نشانگر فصل مشترکی است که میان نیروهای طرفدار استبداد و خادم سرمایه در هر لباس و پوششی موجود است. نگرانی دلسوزانه و مسالمت جویانه کیهان از رژیم نگرانی مشترکی است که همه نیروهای طرفدار استبداد و مخالف آزادی و استقلال کشور در آن سهیم و شریک هستند. کیهان این نگرانی را چنین انعکاس می دهد:

"بماند این که آیا نفوذ حزب توده اکنون به پایان رسیده است یا نه... اعتراف خامنه ای در خور تامل است. ولی از او باید پرسید، پس از آنکه دست حزب توده از کارها کوتاه شد، رژیم اسلامی برای اصلاح کارهایی که شد و نمی بایستی می شد چه کرده است..."

پاسخ به این سوال کیهان را حتی می توان در نشریات ریز و درشت و سخنرانی های سران رژیم به راحتی پیدا کرد. سران حکومت با خیانت و پشت کردن به اهداف انقلاب و مردمی که فداکارانه در آن شرکت کردند، راه را برای استقرار استبداد، ترور و اختناق (با کمک و همکاری صاحب منصبان و سران ساواک) و برای غارت و چپاول ملت توسط مشتی سرمایه دار بزرگ باز کردند و بر آزادی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زنجیر زدند، میلیاردها دلار ثروت کشور - درآمد نفت - را به تاراج دادند و یا در

سازمان "درفش کاویانی" با تلویزیون بی. بی. سی.

و اما چند نکته پیرامون سیاست های اقتصادی حزب ما و عصبانیت مقاله نویسنده کیهان از آن. آنچه که حزب توده ایران در آغاز انقلاب به مثابه برنامه اقتصادی - اجتماعی مناسب برای رشد کشور اعلام کرد بسیار روشن و دقیق بود. ما معتقد بودیم که صنایع کلیدی کشور، که اساس وزیر ساختار اقتصادی کشور را تشکیل می دهد می بایستی در مالکیت عمومی بوده و دولت می بایست فعالانه در راه ایجاد، بسط و گسترش صنایع کلیدی کشور مشارکت داشته باشد. ما از همان ابتدا مخالف سرسخت سرمایه داری بی بند و بار، افسار گسیخته و وابسته ای بودیم که رژیم شاه در مملکت ما ایجاد کرده بود. ما سیاست اقتصادی مملکت را در ارتباط تنگاتنگ با عدالت اجتماعی و رفع محرومیت از میلیون ها انسان که در عقب ماندگی و محرومیت اجتماعی - اقتصادی "زندگی" می کردند می دیدیم. ما به موقع خود اعلام کردیم: "هدف نظام اقتصادی نوین تنها رشد نیروهای مولده و افزایش تولید نیست، بلکه نسوزی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به سود محرومین نیز از وظایف اساسی آن بشمار می رود..." (مجله دنیا، آذر ۱۳۵۸).

سیاست "درهای باز" و "سپردن کار مردم به مردم" و باز گذاشتن دست سرمایه داران بزرگ برای چاپیدن و غارت مردم، یعنی سیاست های مورد پسند مقاله نویسنده کیهان دلیل فاجعه کنونی است که بیش از ۴۵٪ مردم کشور ما را به زندگی در فقر و محرومیت محکوم کرده است و

## گوشه هایی از خدمات سفیر ایران در آلمان به "مردم مسلمان و انقلابی" کشورمان

بدنبال بالا گرفتن جنجال ها و رسوایی های مالی جمهوری اسلامی و سران ریز و درشت آن، رو شدن دریافت میلیون ها مارك رشوه، از سوی سفیر ایران در آلمان آخرین نمونه این پدیده در حال رشد در جمهوری اسلامی است.

نکته ای که در باره آخرین جنجال مالی رژیم جلب توجه می کند، اعتراف علنی سفیر ایران به این موضوع و تایید آن از سوی مقامات جمهوری اسلامی است. سید حسین موسویان در نامه ای که برای روزنامه "سلام" ارسال داشته و در شماره ۹ اردیبهشت این روزنامه به چاپ رسید اعلام کرد: " البته به خاطر ندارم موضوع را تکذیب کرده باشم چون خودم برای اولین بار منبع تامین هزینه ها را اعلام کردم ممکن است برادران احساس کرده باشند چون در این موارد ما به طرف خارجی بدهکار می شویم باعث تضعیف حیثیت مان می شود. يك نکته اصلی را مد نظر قرار دهید که آلمان در سال ۹۲، هشت میلیارد مارك به ایران صادرات داشته است حال اگر چند میلیون مارك برای امور آموزش و ورزش و غیره هدیه کند منتهی نیست... بنده با این ایده درطول مسئولیت خود چند میلیون مارك از کمپانی های آلمانی هدیه گرفته ام...."

سفیر جمهوری اسلامی در آلمان در انتها نیز با اندرز به دست اندرکاران روزنامه "سلام" می گوید: خداوند انشاء الله همه ما را به راه راست و خدمت به مردم مسلمان و انقلابی کشورمان هدایت کند...."

## افزایش بهای مایحتاج عمومی و گسترش ناآرامی ها در شهرهای مختلف کشور

بدنبال ادامه افزایش بی رویه و کنترل نشده قیمت ارزاق عمومی و مواد اولیه، ناراضیتی اوج گیرنده عمومی سراسر شهرهای کشور را فرا گرفته است و نگرانی زیادی را برای سران رژیم پدید آورده است. بر اساس گزارش های منتشر شده در روزنامه های مجاز کشور، بدنبال افزایش بهای شیر، بهای گوشت، روغن نباتی، و تخم مرغ هم رویه افزایش است. مدیر عامل هواپیمایی ملی جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که بهای بلیط هواپیما نیز افزایش خواهد یافت.

بدنبال اعتراض های سریع مردم به گرانی بهای شیر، هیئت دولت در يك نشست اضطراری تصمیم گرفت تا با برقراری مجدد سوبسید بر بهای شیر، اوضاع آرام کند. به گزارش روزنامه "سلام" حتی بهای



سرنگ، که هاشمی رفسنجانی روز ۲۰ اردیبهشت يك کارخانه تولید آنرا افتتاح کرد، نیز ۵۰٪ افزایش یافته است.

لازم به تذکر است که این روند افزایش ناگهانی، مایحتاج عمومی در پی تصمیم دولت در آزاد سازی ارزش برابری ریال در مقابل دلار و از بین بردن سوبسیدها بر روی تعدادی از اجناس، پدید آمده است. علی رغم تلاش ها و قول های رئیس بانک مرکزی و هیئت دولت، از هنگام آزاد سازی برابری ریال و دلار، ارزش ریال در مقابل دلار از ۱۴۵ به ۱۶۵ تومان سقوط کرده است و احتمال ادامه این روند و تعمیق بحران مالی رژیم در ماه های آینده با توجه به اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور، می تواند ناآرامی های کنونی را هرچه بیشتر تشدید کند.

## بحران ارزی و ادعاهای هاشمی رفسنجانی

هاشمی رفسنجانی در دیداری که با مدیران و کارکنان بانک ها داشت، موقعیت اقتصادی جمهوری اسلامی را خیلی خوب توصیف کرد و حتی پیش بینی کرد که قیمت ارز در آینده کاهش یابد. این ادعای رفسنجانی در حالی است که بر اساس گزارش های مختلف و حتی اعتراف های وزیران کابینه او اوضاع مالی - اقتصادی رژیم دچار مشکلات فراوانی است. براساس گزارشی که اخیراً از سوی خبرگزاری فرانسه منتشر شده، اوضاع اقتصادی ایران بسیار وخیم ارزیابی شده است. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، ایران دچار بحران پولی شده و روزهای بدی را در پیش دارد. کارشناسان اقتصادی بدهی ارزی ایران را رقمی معادل ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده اند. این بدهی بدان معنی است که دوسال درآمد ارزی نفت تنها می بایست صرف بازپرداخت این کمبود ارزی گردد. روزنامه "سلام" نیز در زمینه بحران درآمد ارزی دولت و کاهش درآمد ایران از فروش نفت، از قول آقا زاده، وزیر نفت نوشت که: موقعیت بازار جهانی برای فروش نفت مناسب نیست و از این رو دولت جمهوری اسلامی قصد دارد بر ظرفیت تولید

خود افزوده و آن را به حد ۴/۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز افزایش دهد و این در حالی است که سهمیه ایران در چارچوب توافق کشورهای عضو اوپک تنها ۳/۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز می باشد.

## یورش "یکان های موتریزه حزب الله" به نثریات و زنان کشور

بر اساس گزارش روزنامه "جهان اسلام" عده ای موتور سوار به دفتر نشریه "کیان" حمله کرده و آنرا تار و مار کردند. روزنامه "سلام" نیز با تایید این گزارش نوشت ۶۰ نفر موتور سوار وارد دفتر مجله "کیان" شدند و شیشه های آن را شکستند. این یورش "موتوریزه حزب الله" در پی مصاحبه نشریه "کیان" با مهندس بازرگان و حملات تبلیغاتی فراوان "کیهان"، به مثابه ارگان چماقداران، علیه این نشریه صورت می گیرد.

در هفته های اخیر نیز یورش گروه های موتور سوار و چاقو کش به زنان و آزار و اذیت آنان شدیداً افزایش یافته است. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، بیش از ۸۰ تن از زنان به "جرم" بد حجایی در نمایشگاه کتاب تهران بازداشت شدند. روزنامه "جمهوری اسلامی" نیز با حمله به زنان و تشبیه خیابان های کشور به "نمایشگاه فساد و ابتذال"، از دولت خواست تا بر شدت عمل خویش علیه زنان بد حجاب بیافزاید.

## اثر "تعدیل اقتصادی" بر بخش کشاورزی

نماینده صومعه سرا در سخنانی که در مجلس شورای اسلامی ایراد کرد اطلاعات جالبی پیرامون اثرات سیاست های اخیر دولت بر کشاورزان کشور بیان کرد که حاوی نکات جالبی است. وی در این سخنان از جمله گفت: "بر اساس آمار در زمینه تولید برنج، در صد هزینه سم و کود کشاورزی نسبت به کل هزینه در سال ۷۱ حدود ۲٪ بوده است که این رقم در سال ۱۳۷۲ به ۱۸٪ افزایش یافته است". مرادی، نماینده چناران و طرقلیه نیز در سخنان مشابهی گفت: "نرخ سمپاشی هر هکتار باغ سیب در سال گذشته در حوزه انتخابی او ۱۹۷/۲۰۰ ریال بوده است که امسال به ۳/۳۴۴/۹۹۰ ریال افزایش یافته است". لازم به تذکر است که با افزایش شدید نرخ کود شیمیایی تظاهرات و اعتراضات گسترده ای از سوی کشاورزان کشور در شهرهای مختلف برگزار گردید که در انتها هیئت دولت را وادار کرد قیمت کود و سم شیمیایی را به نصف کاهش دهد اما این واقعیت همچنان پا برجاست که قیمت کود و سم شیمیایی ۵ تا ۱۰ برابر سابق شده است. این هم از اثرات "روشن" و "شفاف" برنامه های "تعدیل اقتصادی" دولت جمهوری اسلامی در زندگی سخت و دشوار میلیون ها دهقان و کشاورز ایرانی.

## سودان

نمایندگان دولت سودان و گروه اصلی اپوزیسیون این کشوری مذاکرات صلحی در نیجریه توافق کردند که قوانین شریعت اسلامی در جنوب کشور که مسیحی نشین است، موضوعیت نداشته باشد. علی الحاج محمد، وزیر برنامه ریزی اقتصادی دولت گفت: "مسئله رابطه بین دین و دولت به صورت نهایی هنوز حل نشده است ولی ما موافقت کرده ایم که قوانین اسلامی فقط در شمال کشور اعمال خواهد شد و جنوب از قانون شریعت مستثنی خواهد بود."

او در مورد اجرای قانون شریعت اسلام در مورد اهالی جنوب ساکن خارطوم - پایتخت سودان - گفت: "وضعیت در این مورد هنوز مشخص نیست." نیروی اصلی اپوزیسیون، ارتش آزادیبخش مردم جنوب سودان به رهبری جان کرنگ که سال ها در طلب خودمختاری برای جنوب کشور با دولت مرکزی در جنگ بوده است، خواستار اجرای آن سیستم قضایی است که ناقص حقوق ملیت های گوناگون ساکن کشور نباشد.

## الجزایر

رهبر دولت الجزایر، علی کافی قول داد که در سال جاری به منظور بازگشت کشور به وضعیت عادی و دمکراسی و آزادی های سیاسی بیشتر، رفراندومی را برگزار کند. آقای کافی در سخنرانش چشم انداز فعالیت های سیاسی آزادانه تر را مطرح و اضافه کرد که در عین حال فشار بی وقته برای درهم شکستن مقاومت گروه های مسلح بنیادگرای اسلامی که مسئول کشتار صدها نفر بوده اند، ادامه خواهد داشت.

رهبر دولت الجزایر قول داد که گفتگو با احزاب و انجمن های سیاسی در مورد چگونگی یک دوره نامین "گذار" به منظور حمایت از بازگشت به "روند انتخاباتی" را سازماندهی خواهد کرد.

این پیشنهادات به دنبال هفته های متمادی مشورت با گروه های مختلف و در شرایطی که مدت زمان ریاست جمهوری در ۱۰ دی ماه سال جاری به اتمام می رسد، مطرح می گردند.

آقای کافی اظهار داشت که در نظر دارد شورای مشورتی ملی را که ارگانی غیر انتخابی است وسیع تر نماید که شامل نمایندگان احزاب و دیگر گروه های سیاسی در جامعه شود و در عین حال مسئولیت های بیشتری به مجلس محول خواهد شد.

از بهمن ۱۳۷۰ که وضع فوق العاده در الجزایر اعلام شده است، ۶۰۰ نفر به قتل رسیده اند، و بیش از یک سال است که کشور پارلمان ندارد.

بیشتر سیاستمداران الجزایری تصدیق می کنند که فقر عامل اصلی پر شدن صفوف بنیادگرایان اسلامی است.

## اندونزی

اجلاس کشورهای غیر متعهد در جاکارتا، در ۲۳ اردیبهشت ماه، با اعلام جنگ به "بحران فلاج کننده بدهکاری" که بالغ بر یک تریلیون پوند (۱۰۰۰ میلیارد لیبره استرلینگ) بدهی به کشورهای ثروتمند است، به کار خود پایان داد. جنبش کشورهای غیر متعهد در بیانیه مطبوعاتی خود خواستار یک رابطه دو طرفه بین کشورهای فقیر و غنی و همچنین خودیاری



بیشتر کشورهای در حال توسعه گردید.

در این اجلاس که متعاقب اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در شهریور ماه گذشته، برگزار شد، ۷۴ کشور عضو در مورد راه های شروع گفتگو با کشورهای ثروتمند شمال و نیز توسعه و گسترش پیوند بین اعضای خود جنبش غیر متعهد، بحث و تبادل نظر نمودند.

وزرای کشورهای شرکت کننده از ابتکار کشور اندونزی، که در دور کنونی ریاست جنبش را بعهده دارد، مبنی بر شرکت و سخنرانی پرزیدنت سوهارتو، به نمایندگی از سوی جنبش در جلسه کشورهای ۷ گانه سرمایه داری در ماه آینده (ژوئن) حمایت نمودند. گروه کشورهای ۷ گانه تاکنون در مورد این پیشنهاد، به سردی برخورد نموده اند.

رهبر هیئت نمایندگی اندونزی، ابراهیم قمبری گفت: "ما پیشنهاد می کنیم کشورهای اعتبار دهنده یک برخورد عام و همه جانبه داشته باشند." او خطاب به کشورهای جهان گفت: "بیا بید یک کنفرانس بین المللی کشورهای اعتبار دهنده و مقروض را برگزار کنیم و این مسئله را بطور جهانی مورد بحث قرار دهیم." آقای قمبری گفت که نیجریه به تنهایی حدود ۲۰ میلیارد پوند بدهکار است که بهره سالانه آن حدودا معادل ۵۰ درصد درآمدهای کشور می باشد. در واقع کشورهای فقیر هر ساله بابت پرداخت بهره وام های خود محتاج وامهای بیشتر و جدیدتر هستند.

مسئله بدهی کشورهای در حال توسعه و سیاست های غارتگرانه کشورهای امپریالیستی و بانک های بین المللی مطلب جدیدی نیست و جنبش کشورهای غیر متعهد در طول ۲۰ سال گذشته متناوبا درباره آن بحث کرده است. در همین رابطه بیانیه اجلاس بانک توسعه آفریقا، که در ۲۲ اردیبهشت در ساحل عاج برگزار شد، از برخورد کشورهای ثروتمند به معضل عدم توانایی کشورهای مقروض، که فقط بصورت تصمیم به تغییر جدول زمانی بازپرداخت وام و بهره آن تجلی می یابد، انتقاد نمود.

## آفریقای جنوبی

کمتر از یک ماه پس از قتل فجیع کریس هانی، دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی و یکی از رهبران محبوب کنگره ملی آفریقای جنوبی، پرده از توطئه ترور جواسلوو، دبیر کل

پیشین و صدر فعلی حزب کمونیست آفریقای جنوبی برداشته شد. آدمکشان طرفدار رژیم آپارتاید طرحی همه جانبه برای ترور رهبران جنبش آزادیبخش و از مسیر طبیعی خارج کردن مذاکرات قانون اساسی که بین دولت و اپوزیسیون در جریان است، در دست دارند. کنگره ملی آفریقا پلیس را متهم کرده است که از توطئه قتل جواسلوو باخبر بوده ولی خود او را مطلع نکرده است و همچنین هیچ اقدامی در جهت محافظت جان او به عمل نیاورده است. لازم به یادآوری است که همسر جواسلوو نیز که از فعالان جنبش ضد آپارتاید بود در سال ۱۹۸۲ در اثر انفجار یک بمب هستی که توسط مامورین امنیتی رژیم برای او فرستاده شده بود، کشته شد. در این رابطه جواسلوو گفت که گروه های طرفدار نژاد پرستی سخت در تلاشند که مذاکرات برای استقرار دمکراسی را از مسیر خود خارج کنند زیرا این مذاکرات در آستانه ایجاد توافقی برای گذار به دمکراسی است. رهبر کنگره ملی آفریقا، نلسون ماندلا نیز دولت را فراخواند که علیه تهدید طرفداران آپارتاید اقدام نماید. او گفت: "ما امیدواریم که دولت اظهارهای خود را به ما در مورد این که خطر از سوی سیاه پوستان تندرو متوجه جنبش است، متوقف کند و توجه خود را بر روی خطر واقعی علیه مذاکرات در آفریقای جنوبی، که از جانب نیروهای راست سفید پوست است، متمرکز نماید."

روزنامه "ژوهانسبورگ استار" در ۲۱ اردیبهشت گزارش داد که چهار سفید پوست دست راستی توطئه قتل جواسلوو را در روزهای ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت، ریخته بودند.

رهبر کنگره ملی آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا طی سفر رسمی دو روزه اش به انگلستان در سخنرانی خود برای نمایندگان مجلس عوام و مجلس لردهای انگلیس آنان را فراخواند که به بازسازی آفریقای جنوبی کمک کنند. رهبر کنگره ملی آفریقا خطاب به آنان گفت: "شما وظیفه دارید که به استقرار دمکراسی موقت آمیز یاری برسانید." با اعلام اینکه پس از سال ها مبارزه "بالاخره آزادی از دور هویدا می شود"، آقای ماندلا از نقش آن دسته از انگلیسی ها که به جنبش ضد آپارتاید پیوسته اند، تمجید کرد. او هشدار داد که بسیاری از رهبران کنگره ملی آفریقای جنوبی از سوی افراتیون دست راستی سفید پوست در فهرست ترور قرار گرفته اند. اهمیت اساسی دارد که جامعه بین المللی با اعزام ناظران بین المللی بیطرف به آفریقای جنوبی از آزادانه عادلانه بودن انتخابات اطمینان حاصل کند.

نلسون ماندلا در طول اقامت خود در لندن، با والدین یک جوان دانشجوی سیاه پوست انگلیسی که توسط نژاد پرستان به قتل رسیده است ملاقات کرد. او ضمن محکوم کردن نژادپرستی اظهار کرد: "مشکل نژادپرستی و فاشیسم تمامی جهان را تهدید می کند. بنظر می رسد که جان سیاه پوستان ارزش کمتری دارد." "نلسون ماندلا خطاب به والدین قربانی ۱۸ ساله گفت: "ما عمیقاً از سببیت این قتل متأثر شدیم، هرچند نظایر این عمل در کشور ما عادی است." نلسون ماندلا اظهار داشت: تراژدی خانواده لورنس، تراژدی ماست. ما باید قوی بمانیم و بطریقی هماهنگ عمل کنیم که نژاد پرستی را شکست بدهیم."

## نامه رسیده از ایران...

افزاده تر انجام می دهند. اما متأسفانه این کارها و تلاش ها هیچکدام رابطه ای با رشته تخصصی و تحصیلی آن ها ندارد. رئیس یکی از دانشکده های فنی می گفت: "ما از بخت بد و بدروزگار است که اینجا هستیم..."

هنوز نمودی از تشکیلات و سازمان یافتگی مشاهده نمی شود. این را می توان هم به فال نیک گرفت و هم بد. اما زمینه بسیار خوبی هم وجود دارد که فعالیت های فرهنگی کماکان به عرصه های دیگر گسترش یابند و سازمان یافتگی اول در این عرصه و سپس در زمینه های سیاسی رشد کند. نمی دانم اخبار اخراجها و اعتصابات با چه نظمی به شما می رسد، اما این دو پدیده بعد از واگذاری صنایع به بخش خصوصی سرعت و آهنگ تندتری یافته اند. مقداری از این اخبار در روزنامه های رسمی، از جمله "سلام" و "اطلاعات" انعکاس پیدا می کند. اما رادیو و تلویزیون به هیچ عنوان به روی مبارکشان نمی آورند. در اکثر نشریه ها صحبت هایی از لزوم آزادی احزاب سیاسی به گوش می رسد. برخی آن را ضمانت موفقیت و ادامه حکومت می دانند و برخی دیگر آن را پیش شرط موفقیت روند اقتصاد سرمایه داری در این برهه از زمان!

به وضوح می توان نعمات طبل های مختلف در گوشه و کنار جامعه را برای آزادی بیشتر شنید. بازار بحث های سیاسی داغ است و از آن داغ تر "آشفته بازار" بحث های سیاسی، غیبت کار شورایی و خرد جمعی سازمان یافته و حزبی در اینجا بسیار محسوس است. جامعه تشنه تحلیل های سیاسی طبقه کارگر است و طبقه در حال مبارزه خود به خودی.

تظاهرات عمومی و حرکات دسته جمعی به طور خودکار در بطن کارخانجات شکل می گیرند. کارگران در برخی کارخانجات صنعتی بزرگ انجمن اسلامی را کاملاً در دست گرفته و در جهت دستیابی به خواسته های صنفی خود از آن کمال استفاده را می کنند.

پدیده جالب دیگر مربوط به پر کردن خلا سیاسی است. هنرمندان متعدد و شخصیت های فرهنگی، برخی به طور گروهی و برخی انفرادی در زمینه های اجتماعی فعال گشته اند. این پدیده در صورت ادامه به نظر می رسد می تواند جبران خلا سازمان های صنفی و سیاسی را پر کند و به نهضتی مبدل گردد.

در بررسی سیاست و آینده حکمرانان، به نظر می رسد که عرصه اقتصادی در این برهه زمانی، بسیار کلیدی است. رابطه سیاست های جهانی و برخورد آن ها به حکمرانان کنونی در عرصه اقتصادی نیاز به تحلیل های مرتب روزانه دارد. به نظر من به جز در سال های دوران انقلاب (۵۷-۵۶)، هیچ گاه رابطه سیاست و اقتصاد در تاریخ معاصر کشور ما تا این درجه از حساسیت و اهمیت برخوردار نبوده است.

در عرصه اقتصادی، و بالطبع سیاسی، حکمرانان گویی در زمین مین گذاری شده حرکت می کنند. کوچک ترین خطای سیاسی یا اقتصادی آنان می تواند زنجیره ای از انفجارات اجتماعی را سبب گردد.

رشد بیکاری و اخراجها ناشی از واگذاری صنایع به بخش خصوصی و تعدیل ساختگی بودجه از طریق تک نرخی کردن ارز، همگی وضعیت های پیش از انقلاب ۵۷ را تداعی می کنند. لازم است که روندهای سیاست و اقتصاد جهانی نفت در چند سال آینده از نزدیک دنبال شوند. هرگونه نوسان منفی در قیمت جهانی نفت، ضربه ای بر پیکر اقتصاد ایران خواهد بود، حتی اگر زمینه روابط سیاسی حکومت با غرب بهبود یافته باشد. این کاهش قیمت می تواند رشته تمام برنامه های اقتصادی داخلی رژیم را پنبه کند و همان بلایی را به سر آن بیاورد که به سر اقتصاد سرمایه داری وابسته رژیم گذشته آورد....

نام دوران کنونی را "سازندگی" عنوان می کنند. البته نام واقعی اش را من "دوران ناچاری" می گذارم. دولت و حکومت دیگر هر چه انجام می دهند از روی ناچاری است. گشایش هایی در زندگی روزمره شهروندان در زمینه های روابط اجتماعی پدید آمده اند. از جمله می توان "تخفیف" آزار زنان در مورد بد حجابی و آرایش کردن، کاهش تفتیش های ماشینی در خیابان ها، "زیبا سازی" ظواهر زندگی شهری، تغییرات صوری در برنامه های تلویزیون، و کلاً بزرگ کردن چهره حکومت یا به قولی "بهبود ویتترین زندگی در ایران" را نام برد.

اما، عکس العمل مردم در مقابل این روند هنوز توأم با سوء ظن و ناپاوری نسبت به هرگونه "بهبودی" از جانب دولتمردان کنونی است. به کلام دیگر، جامعه در این روند شرکت نمی کند و در مقابل "اصلاحات"، به جای همکاری، بیشتر ضعف های موجود را عنوان می کند، اما در عین حال از هرگونه تسهیلاتی که در مقابلش قرار می گیرد کمال استفاده را می نماید. به عبارت دیگر، هرچه را دولت می دهد می گیرد ولی در مقابل از شرکت در بازی "سازندگی" آن خودداری می کند.

بزرگترین بختک دولت، اقتصاد تک محصولی متکی بر درآمد نفت است و نمود این اقتصاد در زندگی مردم به شکل تورم و گرانی در تمام زمینه های زندگی مشاهده می شود. برخی کارشناسان تک نرخی شدن دلار را، که به معنای بی ارزش شدن ریال است، زلزله ای خاتمان برانداز بر بدن اقتصاد ارزیابی می کنند و برخی دیگر آن را "قدم های اصلاحی" برای پیوستن به "خانواده اقتصادی جهانی" - تو بخوان سرمایه داری جهانی - و پایان بخشیدن به آناارشی ارزی می دانند. آینده نزدیک اقتصاد ایران را می توان با پیگیری نوسانات بازار نفت به خوبی پیش بینی کرد. سیاست های جهانی این محصول، کماکان موفقیت یا شکست برنامه های دولتمردان کنونی را دیکته خواهد کرد.

سانسور مطبوعات ویژگی جدیدی با خود آورده است. حکومت از عامل تورم و گرانی در زمینه چاپ و انتشار مطبوعات و کتاب ها استفاده می کند و هیچگونه تسهیلاتی در اختیار دگراندیشان و آزاد اندیشان غیر خودی در این کساد بازار انتشاراتی قرار نمی دهد. مثلاً قیمت نشریه ادبی موسسه اطلاعات به نام "ادبستان" ۵۰ تومان و قیمت نشریات مشابه غیر دولتی و مستقل دو تا سه برابر آن است. در واقع عامل گرانی باعث تقلیل خوانندگان این گونه مجلات می شود و به گونه ای نقش "سانسور دمکراتیک" در جامعه را بازی می کند. به این می باید خودسانسوری فکری در بین روشنفکران داخلی را نیز افزود... تنوع و موجودیت نشریات گوناگون - غالباً "فرهنگی" - امیدوار کننده و قیمت های بالای آن ها بسیار نگران کننده است.

اخیراً به چند دانشگاه - پلی تکنیک، آزاد، علم و صنعت و تهران - رفته ام و پای صحبت استادان و دانشجویان نشسته ام. کیفیت آموزشی پایین، کمبود معلمان جوان و پر انرژی، نبود کتاب های فنی و علمی آموزشی، بی توجهی دولتمردان و کارپردازان آموزشی به مشکلات جدی استادان و دانشجویان، جلوگیری از تشکیل هرگونه سندیکا یا انجمن صنفی مستقل در میان آموزگاران و دانش آموزان، و بالاخره گرانی و تورم و بیکاری، همه حکایت از بحرانی ریشه ای و طوفانی نزدیک در عرصه آموزش و پرورش و آموزش عالی می کند. در این زمینه اگر چرخ می گردد، واقعا به خاطر فداکاری و از خودگذشتگی استادان و خانواده دانشجویان است... بدترین مشاهده من در این عرصه جدایی و شکاف عمیق میان دانشگاه ها و دنیای صنعت موجود در کشور است. دانشجویان برای امرار معاش کار می کنند و استادان نیز برای تامین زندگی خود کارهای بیشتر و

## کاندیداهای تقلبی ...

ماست. علی رغم قول ها و مذاکرات پشت پرده، تلاش های رژیم برای شرکت دادن برخی عناصر از جناح های غیر حاکم در بازی انتخاباتی با شکست کامل روبرو شد. علی اکبر محتشمی، وزیر کشور اسبق، در مصاحبه ای طولانی با روزنامه "سلام" با ذکر اینکه رژیم تلاش کرده است مخالفان مذهبی خود را به زنجیر بکشد و با اشاره به فضای مسموم رسانه های گروهی ایران، برگزاری هرگونه انتخابات "آزادی" را تلویحاً غیر واقعی ارزیابی کرده و دلایل واقعی شکست تلاش های رژیم را روشن نمود.

کوتاه سخن، وارد کردن چهره منفور و بدنامی همچون احمد توکلی و کسی مانند جاسبی که توسط خود رفسنجانی بر سر پست فعلیش گذاشته شده است، در کنار تلاش های مضحک حاکمیت و از جمله فراخواندن رفسنجانی به مناظره تلویزیونی از طرف احمد توکلی برای گرم کردن بازار انتخابات، نشانگر عمق ورشکستگی سیاسی و اجتماعی رژیم کنونی است.

ما قبلاً اعلام کرده ایم و بار دیگر اعلام می کنیم، در کشوری که هیچ نیروی سیاسی مخالفی حق حیات و فعالیت ندارد و هزاران انسان به جرم دگراندیشی به زندان، شکنجه و اعدام محکوم می شوند، سخن از برگزاری "انتخابات آزاد" نمی تواند جدی گرفته شود. تحریم وسیع چهارمین انتخابات "مجلس شورای اسلامی" و عدم شرکت میلیونها نفر علی رغم تهدیدها و ترفند های رژیم، نمایشگر چگونگی قضاوت مردم کشور ما درباره چنین حرکات نمایشی است.

تحریم وسیع "انتخابات" ریاست جمهوری از سوی کلیه نیروهای مخالف و دگر اندیش و حتی



رای واقعی خود را در داوری نسبت به جنایاتی که طی ۱۴ سال بر آنان گذشته است، خواهند داد.

امامی کاشانی در سخن خود اظهار امیدواری کرد که "رئیس جمهور (بخوان هاشمی رفسنجانی) بتواند مشکلات اقتصادی و ... جهان اسلام را حل کند" و در واقع کشتی به گل نشسته جمهوری اسلامی را نجات دهد. اما امامی کاشانی به قول روزنامه "سلام" به این سؤال پاسخ نمی دهد، که چگونه کسی که خود در مقام فرد اول دولت جمهوری اسلامی مسئول به گل نشاندن کشتی جمهوری اسلامی است می تواند آنرا از گل نجات دهد.

تحریم غیر رسمی آن از سوی برخی از نزدیک ترین مهره های سابق حکومت و "یاران نزدیک امام" غیر قانونی بودن چنین نمایشی را حتی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز، از هم اکنون روشن کرده است.

نام هاشمی رفسنجانی مسلماً دوباره از درون صندوق های خالی رای بیرون خواهد آمد ولی از هم اکنون روشن است که این "منجی" جمهوری اسلامی و رژیم "ولایت فقیه" قادر به معجزه ای برای نجات کشور از بحران عمیق اقتصادی - سیاسی و اجتماعی نیستند و دیر یا زود این امکان پدید خواهد آمد تا مردم کشور ما

## بدرود رفیق چهارباشیان

رفیق کارگر توده ای، کریم چهارباشیان که رفقا و همرزمانش او را بنام کریم کفاش می نامیدند، در ششم اردیبهشت ماه، به دنبال عارضه سکتة مغزی، چشم از جهان فرو بست.

رفیق چهارباشیان با دلی آکنده از شوق پیکار در راه آزادی و عدالت اجتماعی، از نخستین سالهای نوجوانیش به خیل رزمندگان راه آزادی میهن و رهایی زحمتکشان از بند استثمار و بی عدالتی مدحش، پیوست. سالهای زندان ستم شاهی و شکنجه های غیر انسانی، توانست کارگر رزمنده توده ای را از سر عهد و پیمان خود با همزنجیران محرومش باز دارد.

او تا واپسین لحظات عمرش به آرمانهای توده ایش وفادار ماند. ما درگذشت رفیق چهارباشیان را به بازماندگان آن رفیق و رفقای توده ای تسلیت می گوئیم.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

## از "نوع دوستی" امپریالیسم ...

در سوماتی سروسامان پیدا کند." یک کارشناس دیگر می گوید: "مسئله اصلی در اینجا نه قحطی بلکه نفت است. سؤال این است که آیا امتیازات نفتی داده شده از سوی زیادبارة پس از استقرار صلح مجدداً احیا خواهند شد یا نه... این امتیازات میلیاردها دلار ارزش دارند. باور کنید، این آن محوری است که همه قضیه به دور آن می چرخد."

آری، "سروسامان دادن" به وضع سوماتی به قصد "احیای امتیازهای نفتی" شرکت های آمریکایی، و نه "احیای امید" مردم قحطی زده، هدف واقعی دخالت نظامی آمریکا در سوماتی را تشکیل می دهد. این نیز با عملکرد و ماهیت همیشگی امپریالیسم کاملاً وفق می دهد.

امپریالیسم و نوع دوستی را به هیچ طریق نمی توان با یکدیگر تلفیق کرد. این درسی است که تاریخ در طول دهه ها به بشریت آموخته است. کسانی که امروز برای نجات بشریت از فقر و گرسنگی و عقب افتادگی، دست کمک به سوی امپریالیسم دراز می کنند، واقعیات تاریخی پیش روی خود را نمی بینند. عملکرد امپریالیسم در سوماتی تنها یک نمونه کوچک از این واقعیات است.

## از "نوع دوستی" امپریالیسم آمریکا در سومالی بوی نفت می آید!

ساله در سواحل شمالی سومالی، اعلام کرد که بدون شك در سومالی نیز نفت وجود دارد. پس از آن، در ماه سپتامبر ۱۹۹۱، بانک جهانی در کنفرانسی که در لندن برگزار کرد نتیجه تحقیقات کارشناسان نفتی خود را مبنی بر وجود نفت در ۸ کشور آفریقایی اعلام داشت. سومالی و سودان در صدر این کشورها قرار داشتند.

این در حالی بود که سرمایه گذاری شرکت های نفتی آمریکایی در سومالی از چندی قبل شروع شده بود و چهار شرکت نامبرده، اجازه حفاری، استخراج و صدور نفت در بیش از دو سوم خاک سومالی را از "زیادباره"، دیکتاتور وقت سومالی، کمی پیش از سقوط حکومت او دریافت کرده بودند.

اما با سقوط حکومت دست نشانده در سومالی، امتیازهای نفتی این شرکت ها نیز به حال تعلیق درآمد و آن ها برای "احیای" منافع نفتی خود در این کشور دست به دامن دولت بوش شدند.

بدین ترتیب بود که عملیات "احیای امید" در سومالی آغاز شد و ارتش سرکوبگر آمریکا، این بار تحت عنوان "نوع دوستی" و "نجات قحطی زدگان"، خاک سومالی را به اشغال خود درآورد. کاری که در گذشته، به علت وجود کشور اتحاد شوروی، غیرممکن بود.

هرچند سرمداران حکومتی آمریکا دستیابی به منابع نفتی سومالی را به عنوان انگیزه اصلی اشغال نظامی این کشور به تمسخر می گیرند، اما این ارزیابی هر روز در میان صاحب نظران سیاسی و اقتصادی هواداران بیشتری پیدا می کند. به گفته "اوکانر"، متخصص نفتی بانک جهانی، "شکی نیست که در آنجا نفت وجود دارد... و این نفت از پتانسیل بسیار بالای تجارتی برخوردار است... البته مشروط بر اینکه وضع ادامه در ص ۷

رسماً قردادانی کرد. ژنرال "فرانک لیبوتی"، در نامه قردادانی رسمی دولت نوشت: "بدون کمک ها و از خود گذشتگی های ریموند، عملیات ما با شکست مواجه می شد".

به گزارش روزنامه مزبور، "جان گی بانو" سخنگوی شرکت "کونوکو" در شهر هوستون (تکزاس) در رابطه با این مسئله اعلام کرد که "این دفتر به درخواست دولت آمریکا به آن اجازه داده شده و رابطه شرکت با دولت آمریکا رابطه ای صرفاً تجاری است". وی کمک های این شرکت به نیروهای اشغالگر آمریکا را اقدامی ناشی از حس "تعهد و دوستی" ارزیابی کرد.

اما، نگاهی به سیر وقایع از اواسط دهه ۱۹۸۰ ماهیت واقعی این رابطه را روشن می کند. در اواسط دهه ۸۰، شرکت نفتی آمریکایی "هانت" یک ارزیابی مبنی بر وجود بیش از یک میلیارد بشکه ذخیره نفتی در یمن را ارائه کرد. نتیجه این ارزیابی، استخراج بیش از دویست هزار بشکه نفت در روز توسط شرکت "هانت" در یمن بود که تا امروز ادامه دارد.

جرج بوش، که خود یکی از "مردان نفتی" تکزاس است، به سرعت از این فرصت طلایی استفاده کرد و در اوایل سال ۱۹۸۸، شخصاً در گشایش پالایشگاه ۱۸ میلیون دلاری شرکت "هانت" در نزدیکی شهر تاریخی "ماریب" واقع در یمن شرکت جست. او در سخنان خود هنگام افتتاح این پالایشگاه بر این نکته تأکید کرد که "برای غرب، اهمیت استراتژیک دستیابی به منابع نفت خام در منطقه، در نقاط دور از تنگه هرمز، هر روز بیشتر می شود". این سخنان بوش می تواند به درک ما از عملکرد امروز آمریکا در سومالی کمک کند.

به دنبال کشف نفت در یمن، "توماس اوکانر"، متخصص نفتی بانک جهانی، بعد از انجام تحقیقات سه

هنگامی که جرج بوش، رئیس جمهور سابق آمریکا، به جهانیان اعلام کرد که هدف از عملیات نظامی "احیای امید" در سومالی، بازکردن راه های غذا رسانی به قحطی زدگان سومالی است و هدف آمریکا از این کار صرفاً "صلح آمیز و انسان دوستانه" است، برای بسیاری که با ماهیت واقعی امپریالیسم آمریکا آشنایی دارند این سوال پیش آمد که این "نوع دوستی" ناگهانی از کجا سرچشمه می گیرد و به قول معروف، زیر این کاسه امپریالیسم چه نیم کاسه ای پنهان است؟ مقاله ای که اخیراً تحت عنوان "عامل نفت در سومالی" در روزنامه آمریکایی "لس آنجلس تایمز" (۱۸ ژانویه ۱۹۹۲) به چاپ رسید، از علت واقعی اشغال سومالی توسط آمریکا پرده بر می دارد.

نویسنده این مقاله، "مارک فاینمن"، با ارائه شواهد و مدارک نشان می دهد که دخالت نظامی آمریکا و متحدانش در سومالی نه برای پایان دادن به جنگ داخلی و نجات قحطی زدگان این کشور، بلکه برای حفظ منافع چهار شرکت نفتی آمریکایی "کونوکو"، "اموکو"، "شوران" و "فیلیس" بوده است.

به گفته نویسنده مقاله، دفتر شرکت "کونوکو" در "موگادیشو" پایتخت سومالی، نه تنها در تمام مدت دو سال جنگ داخلی باز بوده، بلکه در هدایت عملیات نظامی "بشردوستانه آمریکا" نیز شرکت مستقیم داشته است. در حقیقت، این دفتر از چند روز قبل از ورود نیروهای آمریکا، به عنوان مقر نماینده ویژه بوش در سومالی تعیین شده بود و به گفته نویسنده مقاله، "در عمل به سفارت آمریکا در سومالی بدل شده بود". پس از ورود نیروهای نظامی آمریکا به سومالی، دولت آمریکا از ریموند مارچاند، مدیرکل شرکت "کونوکو" در سومالی، به واسطه نقشی که در "تسهیل" ورود نیروهای نظامی آمریکا به خاک سومالی بازی کرده بود

### لهستان

اتحادیه همبستگی تدارک برای يك اعتصاب عمومی را آغاز کرده است، این، عملاً به مبارزه طلبیدن دولت لهستان است که به همبستگی به عنوان يك اتحادیه کارگری سر براه و مطیع، امید بسته بود. رهبران همبستگی، در شهر بندری گدانسک در ساحل بالتیک، موافقت نمودند که يك اعتصاب عمومی در اعتراض به خودداری دولت از مذاکره با هزاران معلم و کارکنان بخش بهداشت که خواستار افزایش حقوق خود هستند تدارک بینند کمیسیون ملی همبستگی موافقت کرد در صورتیکه هیچ توافقی با معلمین و کارکنان بخش بهداشت صورت نگیرد، خواستار رای عدم اعتماد به دولت در پارلمان خواهد گردید. رهبران دولت دست راستی حاکم که هنوز نقش اتحادیه همبستگی را در مبارزه علیه دولت حزب کمونیست و همگامی آن را با نیروهای راست به خاطر دارند، از اینکه اکنون این اتحادیه بیشتر و بیشتر خواست های کارگران را در مبارزه برای حقوق خود مطرح می کند، اظهار ناراضی می کنند. حمایت اتحادیه همبستگی که يك جناح پارلمانی دارد از نظر موقعیت دولت اهمیت اساسی دارد.

دولت ائتلافی معمولاً به حمایت ۲۶ نماینده همبستگی در پارلمان نیاز دارد و پیوستن این گروه به مخالفان، عملاً تصویب قوانین در پارلمان را بسیار مشکل خواهد کرد.

**کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است!**

**کمک های مالی رسیده:**

رفقا از جنوب ایران ۹۰ دلار  
رفیق کارگر ۱۰۰۰ کرون دانمارک  
طوبی از سوئد ۲۰۰ کرون

**NAMEH MARDOM**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

NO : 402

Mai 25 , 1993

نامه مردم